خجسته جشن پیروزی ایرانیان در 21 آذر فرخنده باد

به مناسبت فرارسیدن فرخنده روز 21 آذر روز رهایی آذربایجان از یورش شامانیست ها ی شناخته شده ای که بر اساس باورهای دینی و استوره ایشان خود را از نسل گرگ میدانند و گرگ از نگاه آنان حیوان مقدسی بشمار میرود و همچون گرگ درنده بودن را لازمهٔ زندگی خود می بینند (این اندیشه و بینش مغولها و ترکها یی را در بر میگیرد که بین دریاچهٔ اورال و کوههای آلتایی زندگی میکردند و امروز بصورت دود مانهای پراکنده در آسیای مرکزی زیست مینمایند . شمن پرستی ترکان و مغولان چنین میگوید که آنها بر هیچگونه اعتقاد اخلاقی باور مند نیستند و باور آنها تنها به زندگی در دنیای دیگر و احساس مسئولیت در دنیای دیگر است که از اهمیت ویژه ای بر خوردار است این گروه هیچگونه ترسی از کیفر و مجازات در دنیای دیگر را ندارند و باورمندند هر چه تعداد افرادی که به دست آنها نابود شده یا میشود بیشتر باشد ، برای سرنوشت آنها پس از مرگ بهتر و در جایگاه والاتری قرار خواهند گرفت ، تا زمان ساسانیان از مرزهای شمالی ایران به شدت نگاهبانی و نگهداری میشد تا صحرا نوردان ترک و تاتار امکان نفوذ به درون خاک ایران را نداشته باشند . از جمله دژ یا قلعه ای در در بند بین کوههای قفقاز و دریای کاسپین ساخته شده بود که ترکان آن را دمیر قاپی (در آهنین) می نامیدند همچنین در دورهٔ پیش از چیرگی اعراب برای جلوگیری از هجوم اقوام ترک دیواری در ناحیهٔ شمال شرقی سغد بر پا شده بود . متلاشی شدن امپراتوری ساسانی فرصت مناسبی را برای صحرا نوردان اورال آلتایی فراهم کرد تا به درون مرزهای ایران نفوذ کنند.همچنین در بین سپاه ترکان و عربها در گیری و جنگ چندانی روی نداد و ترکان با گردن نهادن به اسلام به جهان اسلام راه یافتند و در صف جنگجویان اسلام در آمدند .اما زمانی که نیروهای ارتش سرخ شوروی در رویداد جنگ جهانی دوم آذربایجان را اشغال کردند یک حرکت سیاسی قومگرایانه نمود کرد . شوروی برای بدست آوردن سود و سرمایه اقتصادی بیشتر به جستار قومی دست زد و دامنهٔ آن را گام به گام گسترش داد .شورویها با پشتیبانی از سید جعفرپیشه وری او را مامور بر پایی فرقهٔ دمکرات آذربایجان کرده و رهبری آن را نیز بر عهدهٔ او نهادند . شوروی بر خلاف پیمان سه جانبه سال 1323 که باید خاک ایران را ترک میکرد کردار نکرد و در ایران بر جای ماند . از سویی فعالیتهای حزب توده بصورت پارلمانتاریستی بود از این روی ، بر پا نمودن انقلابی در ایران بوسیلهٔ این حزب نا ممکن می نمود ، در نتیجه فرقهٔ دمکرات آذربایجان در دیداری که بین سید جعفر پیشه وری و میر جعفر باقرف رئیس جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی با پشتیبانی مادی و معنوی آن کشور در 12 شهریور 1324 انجام گرفت اعلام موجودیت و هستی کرد .پرویز جواد زادهٔ خلخالی یا سید جعفر پیشه وری در سال 1272 اسلامی در یکی از روستاهای خلخال به نام روستای زاویه یا زیوه به زبان محلی ، زاده شد و به همراه خانواده خود به روسیه رفت . او در روسیه تحصیل کرد و پس از کودتای بلشویکی لنین (انقلاب کمونیستی) به جهانبینی و بینش کمونیستی روی آورد و به عضویت یا همونده کمیتهٔ مرکزی حزب عدالت در آمد در سال 1299 به همراه ارتش سرخ به شمال ایران وارد شد و در گیلان به همراه دیگر اعضای حزب عدالت در نخستین قدم حزب کمونیست ایران را بر پا کرد . با شکست جنبش جنگل او ایران را ترک کرد اما پس از چندی به تهران باز گشت و دبیر و مسئول حزب کمونیست ایران شد . پیشه وری فعالیتهای خود را در این زمینه ادامه داد تا اینکه در سال 1306 دستگیر و محاکمه شد . پیشه وری از اعضای بنیانگذار حزب کمونیست ایران (دههٔ 1920) بود که به 15 سال زندان محکوم و در زندان قصر در بند شد .او پس از بخشش همگانی در شهریور 1320 آزاد شد ، اما به سبب اختلافات سیاسی با گروه 53 نفر و شخص تقی ارانی در دورهٔ زندان و آوانسیان از فعالیت در حزب توده ایران خود داری کرد و به انتشار روزنامهٔ آژیر پرداخت که سیاست آن پشتیبانی از اتحاد جماهیر شوروی بود . در سال 1322 خود را کاندید ای نمایندگی دورهٔ 14 مجلس شورای ملی کرد ، که به عنوان نمایندهٔ اول تبریز رای آورد ، اما اعتبار نامهٔ وی علیرغم حمایت دکتر محمد مصدق

از وی با مخالفت گروه سید ضیاءالدین طباطبایی در مجلس شورای ملی رد شد .کارنامهٔ جعفر پیشه وری همراه با سرخوردگی و وابستگی اش به حزب بلشویک از او شخصیتی ساخت که در خور و مورد پسند میر جعفر باقروف و متناسب با نقشهٔ طراحی شدهٔ شوروی ها بود . وی در تبریز عده ای از همفکران از جمله صادق پادگان و شبستری را دور خود گرد آورد تا آمادهٔ انجام نقشه ای شوند که از مدت ها پیش طراحی شده بود . یعنی جدایی آذربایجان از ایران .به هر روی در سوم شهریور گروه سه نفرهٔ پیشه وری ، صادق پادگان ، و شبستری برای نگارشِ پیش نویس برنامه و نظامنامه این حزب نوین و شیوهٔ آگاهی رسانی آن با میر جعفر باقرف و دستیارانش آتاکشی اف و یعقوب اف دیدار کرده و گفتگوهای پر دامنه ای را به انجام رساندند .بدین شیوه فرقهٔ دمکرات آذربایجان با دست اندازی و اندیشه و رای مستقیم شوروی بر پا شد . احمد قوام نخست وزیر ، روز نخست آذر 1325 دستور حرکت ستونهای نظامی به زنجان را صادر کرد و در آگاهی نامه ای روانه کردن نیرو به زنجان را به آگاهی همگان رسانید ، با وجود پند های دوستانهٔ سفیر اتحاد شوروی در تهران برای جلوگیری از اعزام نیروهای نظامی به آذربایجان قوام اعلام کرد دولت تصمیم خود را در این باره گرفته است و نیروی بسنده به تبریز فرستاده خواهد شد . نخست وزیر همچنین به حسین علا دستور داد که تصمیم دولت در اعزام نیرو به آذربایجان را به آگاهی دبیر کل سازمان ملل متحد نیز برساند . یک روز مانده به 21 آذر سال 1325 نمایندگان باقر اف به پیشه وری و دیگر رهبران بالای فرقه گفتند که بزودی چندین اتومبیل می آیند تا آنها را به باکو ببرند و پیشه وری تبریز را نیز باید ترک کند برخی از رهبران که به اتحاد جماهیر شوروی فرار کرده بودند به جاسوسی متهم و به اردوگاه های کار فرستاده شدند . پیشه وری نیز در یک رویداد و تصادف رانند گی که آن را عمدی میدانند گشته شد و زندگا نیش به پایان رسید .

پان ترکیسم ..

پان ترکیسم در پایان قرن 19 و در نخستین روزهای قرن بیستم در امپراتوری عثمانی مایه گرفت . در امپراتوری عثمانی ضیا گوک آلپ ناسیونالیست تند رو و گزاف اندیش بر انگیزنده و امید دهندهٔ همبستگی و اتحاد همهٔ ترک زبانان بود . او جامعهٔ ترک زبان را بر سه بستر ، ترکهای ترکیه ، ترکهای اغوز یا باشندگان جمهوری آذربایجان (اران) خوارزم که اغوزستان را تشکیل میدهند و دیگر ترک زبانان دور دست مانند ازبکها ، یاکوت ها ، قرقیزها ، قبچاق ها و تاتار ها بخش کرد که این سه بستر ترکستان بزرگ یا توران بزرگ را به وجود می آورند . گوک آلب می گفت بستر نخست یعنی ترکیسم هستی پذیرفته و انجام یافته است ، دومین بستر اوغوزیسم است که شاید در آینده هستی پذیرد . و سومین بستر یعنی تورانیسم با صد میلیون جمعیت در آینده دور به بار خواهد نشست . رویدادها و چگونگی های آشفتهٔ ایران پس از جنبش مشروطه و جستارهای بر آمده از پایان جنگ جهانی اول ، دست درازی نظامی فرهنگی ترک های جوان را به آذربایجان ایران آسان تر کرد . نیروهای مسلح عثمانی وارد خاک ایران در پشتهٔ آذربایجان شدند . یکی از آماج های این دست اندازی به خاک ایران کمک و یاری به پان ترک های قفقاز برای بدست آوردن استقلال و جدایی بود . همچنین در زمان اشغال ایران برای نخستین بارنشریه ای به زبان ترکی به نام آذربایجان در تبریز انتشار یافت . در این نشریه با ترکی جلوه دادن آذربایجان به تاریخ سازی های جعلی دست زد و ریشه های دیرین ماندمانها و میراث فرهنگی ترکی آن را گواهی و تبلیغ میکرد . عثمانی ها همچنین با بر پایی شاخه های (حزب اتحاد اسلام) در آذربایجان کوشیدند آذری های ایران را به خود جلب نمایند . اما رهبران آذری به سبب کردار و رفتار عثمانی ها به آنان اعتراض کردند . با همهٔ تلاشهای دولت عثمانی و بر انگیختن و تحریک مردم در آذربایجان هیچ جنبش قومی به وجود نیامد و تنها تعداد بسیار کمی از آذر بایجانی ها به پشتیبانی از پان تورانیسم پرداختند . حتی رهبران توانمند و مردمی آذربایجان ایران علیه برنامه ها و نمودار های ترکیه به مبارزه بر خاستند . تا آنجا که آنان را از خاک ایران بیرون راندند .

پیشکش به همهٔ دلیران و دلدادگان میهن دوست ، به مناسبت فرا رسیدن 21 آذر روز رهایی آذرآبادگان از بند اسارت بیگانگان ایران ستیز ...

گرگهای خاکستری !

گرگهای خاکستری در راهند

ومن از هول رویدادی سیاه دلم میلرزد

از دور میشنوم

آوای ترسناک کرکسان را ،

که با هزار گونه چهرهٔ وحشت

و با پیام نالهٔ جغدی بوسعت فریاد ،

در راهند

دام فاجعه گسترده است

شحنه های آشوبگر

هنوز

از مردم شهر سراغم را میگیرند

و میخواهند مرا پشت همان پنجره ای ،

که قافلهٔ آزادی ،

بر چرخ رنگین زندگی رکاب می زند

آنجا ،

آنجا که دلاور مردانش ایستاده میمیرند ،

با دیدگانی تنگ و رشکبار

و در سکوت شب ، بر پیکر غرور سرکش ابلیس ،

به کورهٔ مرگم روانه کنند

و بامدادان خاکسترم را بدست باد بسپارند

می بینی ؟

هنوز فاجعه در راهست ،

بدون آنکه بدانند از خاکسترم

مردی دوباره از خاک می روید ،

تا همراه عاشقان بیداری ، از مرزهای تیرگی گذر کند ،

تا بر چهرهٔ خواب رفتگان آبی بزند

و در بزمی باشکوه ، از ساغر لاله ها ،

به آنها شرابی بنوشاند

مردی که می خواهد ، زنگار جهل و نادانی را بزداید

و سرود زندگی ، پیروزی ،

دادگری و رهایی را بسراید

او میخواهد به سرزمینی سفر کند

که شقایق هایش را برجای ، سیم های خاردار می رویانند

که مردمانش از گلبوته های درخشان امید شادابند

و گل و خاک و زمینش ،

با عطر وحشی گلهای دوستی و مهر

و عشق به انسان پیوسته است

خوابتان آشفته باد !

ای گرگهای خاکستری و ماموران معذور

از بهاران چه سود با شما سخن گفتن

وقتی که باغ در زیر قد م هایتان تنگی نفس می گیرد

و سر زمین گل افشان دوستی ، عشق و همدلی

از سایه روشن های راز آمیز رنگارنگ ، بی رنگ میشود

آیا هنوز به آفتاب و خاک و آب ، و هر چه هست اعتمادی هست؟

آیا هنوز تاب ایستادن داریم ؟

آیا هنوز توان ماندن برایمان بر جای مانده است ؟

شب است و سیاهی است و پیامی تلخ

و زمان ، آبستن بانگی است در برابر این بیداد ،

در برابر این نفرت

و در برابر این کینه

بانگی که از روزنه ای روشن ، بیداری

و در دل امید رزم میکارد ،

تا

دندان کینه جوی گرگان را در هم شکنیم

و بانـک وحشی به مرگ آلودهٔ آنان را بریده گردانیم .

اینـک ،

ما از مرزهای تیره گی و یاس گذشته ایم

و آغوش اشتیاق مان بروی پیروزی گشوده است .